خبرسازان

«خانه‌سینما» به رییس کمیسیون فرهنگی مجلس نامه سرگشاده نوشت

جنتی در مورد بازگشایی «خانه‌سینما» به مجلس می‌رود

● **شرق:** هیات‌مدیره و مدیرعامل خانه‌سینما با انتشار نامه‌ای سرگشاده به رییس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، آمادگی خود را برای حضور در این کمیسیون و گفت‌وگو و ارایه اسناد لازم برای رفع نگرانی نمایندگان مجلس اعلام کردند. این نامه یک روز بعد از آن منتشر شد که «فارس» خبر داد علی جنتی وزیر ارشاد برای پاسخ در مورد نحوه بازگشایی خانه‌سینما باید در کمیسیون فرهنگی مجلس حاضر شود. در این نامه آمده است: «به نام خدا، حضرت حجت‌الاسلام‌والمسلمین جناب آقای احمد سالک، ریاست‌محترم کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی/ با سلام و احترام، همان‌طور که می‌دانید خانه‌سینما پس از حدود ۲۰ماه تعطیلی با دستور وزیر مدبر فرهنگ و ارشاد اسلامی جناب آقای علی جنتی و به‌دست معاون وزیر و رییس شایسته سازمان سینمایی جناب آقای دکتر ایوبی بازگشایی شد. بی‌تردید آگاهید که تعطیلی خانه‌سینما نه از سوی محاکم قضایی بلکه به دستور هیات مرکزی رسیدگی و نظارت بر مراکز فرهنگی و هنری و تایید وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت گرفت و اینک با لغو دستور پیش‌گفته توسط وزیر کنونی راه برای فعالیت مجدد و قانونی خانه‌سینما گشوده شده است.

این نهاد صنفی برآمده از انقلاب اسلامی به‌زودی با برگزاری مجمع عمومی فوق‌العاده برای تصویب اساسنامه اصلاحی پیشنهادی تهیه‌شده توسط هیات هفت‌نفره- نمایندگان سازمان سینمایی، نمایندگان خانه‌سینما و نماینده رییس‌جمهور سابق آقای دکتر احمدی‌نژاد - و نیز انتخاب هیات‌مدیره جدید، فصل تازه‌ای از حیات خود را آغاز خواهد کرد. در این شرایط که به‌دنبال اقدام مدبرانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موجی از نشاط و شادی در خانواده بزرگ سینمای ایران به راه افتاده که جلوه‌ای از آن در گردهمایی جشن روز سینمای ایران و با حضور بی‌سابقه دوهزارو۵۰۰نفر از سینماگران پس از هشت‌سال به‌دعوت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دیده شد، برخی از نمایندگان محترم عضو کمیسیون فرهنگی از طریق انجام مصاحبه‌های مطبوعاتی در قانونی‌بودن بازگشایی خانه‌سینما تشکیک کرده‌اند. امیدواریم با ما هم‌عقیده باشید که نمایندگان مردم قاعدتا باید از حل‌وفصل مساله ساده‌ای که اگر نه با سوءنیت حداقل با بی‌تدبیری به مساله‌ای ملی و بلکه بین‌المللی تبدیل شده بود همچون اکثریت ۹۹درصدی سینماگران ایران خوشحال باشند؛ در حالی که چنین اظهاراتی شهد این اقدام را به کام اهالی سینما تلخ می‌کند. در خلال ۲۰ماهه گذشته چشم انتظار بودیم که اعضای محترم کمیسیون فرهنگی در راستای ایفای وظایف خود با دعوت از ما، تصویر روشن‌تری از پروژه‌ای پیدا کنند که در پوشش اقدامات قانونی جریان یافته بود. هنوز بر این باوریم که نمایندگان عضو کمیسیون فرهنگی وکیل همه شهروندان از جمله پنج هزار عضو خانه‌سینما هستند و روا نیست بدون تحقیق از یک‌سوی ماجرا و صرفا با اتکا به اطلاعات ناقص کسب‌شده از سوی دیگر اظهارنظر کنند. این روزها که اعتدال به شعار روز نمایندگان قوای سه‌گانه کشور بدل شده سزاوار است که به شیوه عمل مسوولان و متولیان امور نیز بدل شود. جناب آقای سالک، همین‌جا آمادگی خود را برای حضور در کمیسیون محترم فرهنگی و برای گفت‌وگو و ارایه اسناد لازم و رفع نگرانی نمایندگان معزز اعلام می‌کنیم. امیدواریم سینمای ایران بتواند با کمک مجلس شورای اسلامی در راستای تصویب لایحه سازمان نظام سینمایی و با حفظ فضای نشاط و امید به جایگاهی برسد که شایسته تعبیر مقام‌معظم‌رهبری واقع شده و کلید توسعه کشور باشد. هیات‌مدیره و مدیرعامل خانه‌سینما»

جنتی در مجلس

اما عضو کمیسیون فرهنگی مجلس روز سوم مهر از طرح سوال اعضای این کمیسیون در خصوص نحوه بازگشایی خانه‌سینما از وزیر ارشاد خبر داد. نصرالله پژمان‌فر، رییس کمیته هنر و رسانه کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی با بیان مطلب فوق، اظهار کرد: اعضای کمیسیون فرهنگی طی بررسی‌های متعددی که در خصوص موضوع خانه‌سینما انجام دادند به این نتیجه رسیدند که خانه‌سینما طی یک فرآیند قانونی تعطیل و حکم تعطیلی دایم آن صادر شد که مستندات آن نیز در اختیار کمیسیون فرهنگی قرار دارد اما در یک اقدام عجولانه، خانه‌سینما بدون انجام روند قانونی بازگشایی شد. عضو کمیسیون فرهنگی گفت: تمام حرف مجلس این است افرادی که قرار است کار صنفی انجام دهند مشغول سیاسی‌کاری نشوند و به امور تعداد زیادی از افراد شریفی که در این حوزه کار می‌کنند و به‌دلیل این دعواها به ابتدایی‌ترین امورشان هم توجهی نشده رسیدگی شود. عضو کمیسیون فرهنگی در پاسخ به این سوال که مشخصا قرار است چه سوالی از وزیر ارشاد پرسیده شود، گفت: مشخصا می‌خواهیم بدانیم به چه دلیل خانه‌سینمایی که به صورت دایم تعطیل شده بود و این کار نیز قانونی صورت گرفت به این شکل بازگشایی شد و آیا بازگشایی خانه‌سینما جزو اختیارات وزارت ارشاد بوده است یا خیر؟ پژمان‌فر همچنین در پاسخ به این سوال که اگر کمیسیون فرهنگی از پاسخ وزیر ارشاد قانع نشد چه اتفاقی خواهد افتاد، گفت: طبق قانون باید در مقابل موضوعات مختلف، کمیسیون‌های مربوطه ابتدا طرح سوال کنند و اگر قانع نشدند آن سوال را به صحن علنی مجلس ببرند اما این را بدانیم که طرح سوال در مورد خانه‌سینما از وزیر ارشاد سوال همه اعضای کمیسیون فرهنگی است و نهایتا اگر وزیر پاسخی به این موضوع نداشته باشند موضوع را برای بررسی سایر همکاران در صحن علنی مطرح خواهیم کرد و در آن صورت شاید در صحن علنی شرایط متفاوتی پیش بیاید.

خسرو آواز و شوالیه در یک قاب

شجریان: قطره‌ای از دریای مردم هستم



عکس: آیدین رهبر، شرق

فرزانه ابراهیم‌زاده: دو چهره، دو اسطوره، دو نام بزرگ و در یک کلام دو استاد آواز، بار دیگر در یک قاب دوشادوش یکدیگر قرار گرفتند. عکسی تاریخی که در خاطره آواز ایران در چهارمین روز از مهرماه ۱۳۹۲ در دفتر مجله جهان سخن ثبت شد. این دو البته تنها نبودند و چهره‌های شناخته‌شده دیگری در کنار این دو قرار گرفتند تا روزی تاریخی را در موسیقی و هنر ایران‌زمین ثبت کنند. یکی خسرو آواز ایران و دیگری شوالیه‌ای که آنچنان که خودش هم گفت؛ به دیدار استاد و دوست دیرینه خود آمده بود تا برایش آواز تولد مبارک بخواند. این مراسم دوستانه تولد محمدرضا شجریان بود که در دفتر مجله سخن و به دعوت شاهرخ تویسرکانی تدارک دیده شده بود. شجریان به‌همراه دخترش، افسانه، چند دقیقه‌ای بود که رسیده بود و با میهمانانی چون پرویز کلانتری، آیدین آغداشلو، سیدعلی صالحی، جواد مجابی، علی هاشمی، مجید درخشانی، سامان احتشامی، پیمان سلطانی و... حال و احوالپرسی می‌کرد که شهرام ناظری از راه رسید. دیداری که بعد از سال‌ها تازه می‌شد. دو استاد موسیقی ایران یکدیگر را در آغوش کشیدند و ناظری با شوخی، آهنگ تولد مبارک ساخته انوشیروان روحانی را برای شجریان خواند. آیدین آغداشلو و بقیه شرکت‌کنندگان نیز او را همراهی کردند. اتفاق مهمی که شاید حضور بزرگانی چون مسعود کیمیایی، فاطمه معتمدآریا، سیدعلی صالحی، پرویز کلانتری، آیدین آغداشلو و... را زیر سایه خود برد. اما تنها اتفاق این مراسم، دیدار نبود. ناظری که این روزها سرما خورده است، پیش از صحبت‌هایش گفت که بهتر بود از من بخواهید که برای استاد بخوانم و از روزهای آشنایی‌اش با شجریان گفت و چهار بیت از غزل «شادباش ای عشق خوش سودای ما» مولانا را برای شجریان با سه‌تار خواند.

شانس زندگی من

شهرام ناظری که شاید میهمان خاص این مراسم محسوب می‌شد آخرین کسی بود که پیش از محمدرضا شجریان صحبت کرد. اما صحبت‌های او جنس و رنگش چنانچه خودش گفت با بقیه فرق می‌کرد: «همه کسانی که در این جمع هستند و صحبت کردند، در حقیقت حق مطلب را درباره این استاد یگانه ما ادا کردند. هرچند که برای تولد شجریان همه ملت جشن می‌گیرند، اما ما نماینده ملت ایران هستیم. شاید به نسبت همه شماها فضای دیگری را در کنار ایشان تجربه کرده‌ام. برای اینکه تقریبا تنگاتنگ با ایشان آشنا بودم.» ناظری با اشاره به آشنایی‌اش با شجریان در سال ۵۳ گفت: «در ۲۶سالگی برای نخستین‌بار در رادیو ایران توسط هوشنگ ابتهاج (هـ. الف سایه) به شجریان معرفی شدم. در همان روزی که با هم آشنا شدیم رفاقتی میانمان شکل گرفت. البته ایشان چند سالی از من بزرگ‌تر هستند. اما خب یک فضایی در بین ما به وجود آمد و ایشان در همان روز آشنایی از من خواست که ماشینم را در پارکینگ رادیو پارک کنم و به‌همراهش به خانه بروم. این آغاز راهی بود که شش سال بدون توقف با ایشان همراه بودم و رابطه عجیب دوستانه‌ای میان ما وجود داشت.»

شوالیه آواز ایران با بیان اینکه؛ یکی از شانس‌های زندگی من این بود که با دریایی از معرفت و طرز فکر بالای انسانی و اجتماعی ایشان آشنا شوم، افزود: «خودم هم البته آدم انقلابی‌ای بودم. چون اهل ادب و ادبیات و شعر و شاعری بودم ذهنیت خاصی داشتم و همین ذهنیت خاص را ایشان با هوش خودشان گرفته بودند. همین که گذاشتند من در کنارشان باشم و این معاشرت عمیق و عاشقانه ادامه پیدا کند.»

ناظری در بخشی از صحبت‌هایش به افکار شجریان اشاره کرد و گفت: «در همان روز اولی که ایشان را دیدم متوجه شدم که با خیلی از هنرمندان دیگر فرق می‌کنند. ایشان یک ذهنیت متعالی دیگری داشت و به اجتماع فکر می‌کرد. یک حس متعهدانه بسیار زیبایی در درونش وجود داشت و آدمی اهل استغنا و تزکیه نفس هستند. در دوره‌ای که شاید به استثنای چند هنرمند بقیه دنبال مجالس و کارهای خاص بودند ایشان با عشق و تزکیه نفس و استغنا این هنر را دنبال می‌کرد. واقعا زحمت می‌کشید. گاهی وقت‌ها وقتی می‌دیدم ایشان به‌عنوان یک هنرمند پیشرو چقدر در تنگنا هستند تا خودش را حفظ کند. مجموعه این خصوصیات باعث شده بود که من به ایشان نزدیک شوم.»او از نزدیکی روحی که با خسرو آواز ایران داشت گفت: «گاهی وقت‌ها ما ساعت دو شب از هم جدا می‌شدیم و پنج صبح ایشان زنگ می‌زد و به‌دنبالم می‌آمد. شاید خدا می‌خواست و برای من شانس بزرگی بود که بتوانم دریای معرفت و تفکر متعهدانه ایشان را از نزدیک درک کنم. یکی از کسانی که در زندگی هنری من نقش مهمی داشته، آشنایی و معاشرت من با محمدرضا شجریان بوده است.»به گفته ناظری: «او از ابتدا همین طرز فکر را داشت و در همه دوره‌ها صدای اعتراض او بلند شد و بارها از حقانیت مردم و هنر دفاع کرد و همین روند را تا امروز ادامه داد. ایشان از خودش چهره‌ای را به وجود آورد که به نظر من تنها آوازخوان نیست. چون صداهای خوب بسیار است. صدایی آمیخته با دوران و تاریخ می‌شود که بتواند متعهدانه خودش را به خاطر مردم و اجتماع فدا کند. چنین هنرمندانی کم هستند و این رمز ماندگاری هنرمندی است که استاد بی‌بدیل ماست.»

من قطره‌ای از ملتم

از ابتدای این مراسم تنها کسی که سخن نگفت و در سکوت صحبت‌های همه را گوش می‌داد محمدرضا شجریان بود. او که در مرکز جمع نشسته بود به‌آرامی گوش می‌داد. سرانجام پیش از مراسم شمع و کیک تولد و بعد از خواندن چند بیت از یک غزل توسط ناظری لب به سخن گشود و گفت که خودش را لایق این همه مهربانی نمی‌بیند: «من کاری نکردم و مانند همه هستم اما از شانس من قرعه فال را به حالم زدند. امروز همان‌طور که کلانتری گفت قبیله‌ای زندگی‌کردن ما هنرمندان باعث جدایی ما شده است و این خوب نیست.»به گفته شجریان: «من مانند یک قطره‌ای بودم که از برف یا ابر چکید و راه دریا را در پیش گرفت. برای من مردم ایران و جهان، دریا هستند و این امر را از بچگی و از پدر و مادرم آموختم. من از کودکی آموختم که باید شادی‌ام را با دیگران تقسیم کنم. و به همین دلیل حتی در بازی‌های کودکانه دوستانم می‌خواستند که من در طرف آنها باشم و در تیم آنها باشم. همین روحیه باعث شد که من از کودکی تا امروز با هیچ‌کسی دعوا و کتک‌کاری نکرده‌ام. من راه آدم‌ها و مردم را در پیش گرفتم و مهم‌ترین سرمایه برای من مردم و آدم‌ها هستند.»او با بیان اینکه امروز خیلی‌ها در من زندگی می‌کنند و من برای دیگران زندگی می‌کنم، افزود: «معتقدم زندگی برای «تو» معنا دارد به همین دلیل سعی کردم هنرم برای انسان‌ها و انسانیت باشد. زیرا معتقدم رفتار انسان‌ها اگر خوب باشد مانند نسیمی است که از عطر و گل و یاس می‌آید. ما باید ابتدا از بدی و تعفن خود بیرون بیاییم برای آنکه بتوانیم با انسان‌های دیگر زندگی کنیم و با آنها دیدار کنیم. دیدارها برای من مهم است و من همیشه سعی کردم غرور شخصی خودم را برای غرور ملی و فرهنگ ملی کنار بگذارم.»او با انتقاد از افرادی که می‌گویند مردم توجهی به هنر ندارند هم گفت: «مردم وقتی زیر فشار باشند نمی‌توانند به مساله دیگری فکر کنند و نمی‌توان از آنها توقع زیادی داشت. مانند هسته گیاهی که اگر طبیعی باشد و در خاک قرار گیرد رشد می‌کند اما اگر این هسته زیر فشار باشد و آن را بشکنند و بعد روغن آن را بگیرند دیگر رشد نمی‌کند.»شجریان به هنرمندان نیز گفت: «زندگی در شرایطی که زیر نگاه‌ها و پروژکتورهای دیگران هستیم سخت است اما امروز هدیه‌ای که مردم به ما می‌دهند فقط به خاطر آن است که ما آنها را دوست داشتیم و من نیز همیشه آنها را دوست داشتم. من همیشه تلاش کردم خوشی‌هایم را با دیگران تقسیم کنم و ناراحتی‌های دیگران را با خودم تقسیم کردم. زندگی برای من جز دیدار با مردم نیست»

همه آنچه درمورد شجریان گفته شد

مراسم تولد شجریان اما با حضور شخصیت‌های دیگر فرهنگی همراه بود. شاهرخ تویسرکانی که بانی این مراسم بود، در مورد شجریان گفت: «اگر به صدق، همه ترانه‌های مولانا، سعدی و حافظ را در مقام معرفی پدیده‌ای چون محمدرضا شجریان هم به‌کار و کلام آوریم، باز هم میزان معرفت به تعادل نمی‌رسد سخن من... راه به گزاف نمی‌برد اگر بگویم اسطوره صلح و خنیاگر خوبی‌ها، هم بر سریر داوودی نشسته، هم داوود... حنجره ازلی خود را به ایشان بخشیده است. محمدرضا شجریان به درستی فرستاده‌ای از دل فرهنگ پربار این دیار کهن است.»محمد سریر، موسیقیدان و آهنگساز و عضو هیات‌مدیره خانه موسیقی نیز گفت: آنچه برای من اهمیت دارد، چندوجهی‌بودن ایشان است. شجریان در کمال صمیمیت و دقت و فارغ از نگاه شخصی فعالیت می‌کند و نگاه وی بسیار وسیع است. نگاه ایشان به حوزه‌های مختلف نگاه یک روز و دو روز نیست بلکه ایشان امروز پشتوانه‌ای برای اهالی موسیقی و اعضای خانه موسیقی هستند ایشان نه‌تنها در موسیقی بلکه در بعضی هنرها همچون خوشنویسی نیز دستی دارند اما از آنجا که شخصیتی چندوجهی دارند هرگز نخواستند این موارد را بیان کنند.»سیدعلی صالحی، شاعر شناخته‌شده هم گفت: «اندک‌اند خردمندانی که به درستی به انسان سیاست و سیاست انسان اشاره می‌کنند. انسان یک موجود سیاسی است؛ حال، زاده هر شرایطی که باشد. به ساده‌ترین زبان و نزدیک‌ترین اشاره در سرزمین ما هنرمند مجبور است جانشین راه‌بلدان مردم شود. شجریان شریف و باهوش با عمل به این کار در سر بزنگاه‌ها خوب تشخیص داد که باید چه تصمیمی بگیرد.»پرویز کلانتری، هنرمند نقاش و شاعر از نگاه قبیله‌ای به هنر گفت: «متاسفانه ما در سرزمینی زندگی می‌کنیم که اهالی هنر آن ساختار قبیله‌ای دارند یعنی ما قبیله موسیقی، قبیله سینما و قبیله تئاتر داریم همین امر باعث شده ما از هم دور بمانیم و به‌طور مثال برادر من که یک آرشیتکت است نمی‌تواند امروز یک شعر بخواند. یا امروز نقاشان اهل موسیقی را نمی‌شناسند. باید این مسیر اصلاح شود و بیندیشیم که در برابر وضعیت و رفتاری که می‌خواهد هنرمندان را به سایه براند چه می‌شود کرد. مسعود کیمیایی نیز با اشاره به سخنان کلانتری گفت: سخنان وی درست است و من همین‌جا تولد شجریان را تبریک می‌گویم. در این مراسم جوادطوسی و پارسانژاد هم از شجریان گفتند.

یاد استاد

هنرمندی که در طول و عرض تاریخ دویده



جواد مجابی

● یکی از موهبت‌هایی که ما در این سال‌ها داشتیم حضور استاد محمدرضا شجریان است. شخصا معتقدم در فاصله سال‌های دهه ۵۰ دو چیز مردم را از یأس و ناامیدی نجات داد؛ یکی شعر و دیگری موسیقی. بارها گفتم که به شعر شاملو و آواز شجریان بسیار مدیون هستم، چراکه در تمامی روزها و شب‌های دشوار گذشته همراهم بودند. من در ذهن خود دو تقسیم‌بندی درباره هنرمندان دارم. یکی هنرمند و دیگری هنرمند فرهنگی. هنرمند کسی است که اثرش را خلق می‌کند و به سمت کار خودش می‌رود. اما هنرمند فرهنگی کسی است که علاوه بر آنکه به هنر و فرهنگ خود توجه می‌کند به فکر مردم است و دقت می‌کند مردم چه می‌خواهند و فقط به فکر سود خود نیست و حافظ و نگهبان فرهنگ و هنر خود است. تعداد کمی از هنرمندان هستند که در کنار اینکه کارخودشان را انجام می‌دهند در کنار مردم می‌مانند. کسانی مانند محمدرضا شجریان هنرمندان فرهنگی هستند که در هر دوره‌ای در کنار مردم قرار می‌گیرند و همراه با آنها می‌شوند. از یاد نمی‌برم زمانی که در روزنامه اطلاعات کار می‌کردم، بعد از واقعه ۱۷شهریور و بعد از کشتاری که به وجود آمد محمدرضا شجریان اعلام کرد که به احترام آن کشته‌ها کنسرت برگزار نمی‌کند. بعد از انقلاب نیز که زمزمه‌های حرام شدن موسیقی مطرح شد بسیاری از هنرمندان دست از کار کشیدند اما گروه دیگری چون محمدرضا شجریان کار کردند و نقش موثری در تغییر این نوع نگاه داشتند. شجریان در طول و در عرض تاریخ ما دویده و یکدم نیاسوده است. در طول تاریخ موسیقی ما سفر کرده و از غالب معاصران و استادان پیش از خود نه‌تنها آموخته بلکه اوجها و ظرایف هنر آنان را درونی خویش کرده است، در عرض جامعه‌اش سیروسلوک داشته، می‌دانسته اکنون و اینجا چه اتفاقی دارد می‌افتد و مردم از او به‌عنوان یک هنرمند چه می‌خواهند و آنچه او باید به صورت اثری نافذ و ماندگار به مخاطبانش بدهد چیست و بهترینش کدام است؟ وی در طول تاریخ هنر را آموخته و در عرض تاریخ زبان گویا و صدای مردم بوده است.

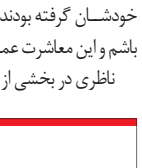
بدون حرف اضافه استاد است



فاطمه معتمدآریا

«آقایی» به اعتقاد من برازنده یک نام است و آن نام کسی نیست جز محمدرضا شجریان. من طبعی لطیف و ملایم دارم و به من یاد داده‌اند مانند دایره حرف بزنم که بتواند بچرخد، نه مربع که هرگوشه‌اش جایی گیر می‌کند. دایره صحبت کن که بتوانی بچرخی. من با این تربیت بزرگ شدم. اما یک گوشه دایره‌ام مطلق است و زاویه دارد. یک مطلق برای من وجود دارد و آن مطلق هم استاد شجریان است. حس می‌کنم چون مهرماه است و مدرسه‌ها شروع به‌کار کردند، مانند یک شاگرد در این جمع وارد شدم که از محضر همه استادان بهره بگیرم. نه سن من و نه سوادم و موقعیت کاری‌ام به اندازه جمعی که در آن هستم نیست. به‌عنوان یک شاگرد می‌توانم بگویم آنچه در آقای شجریان وجود دارد هیچ ربطی به ما ندارد. وجود و هستی آقای شجریان سرشته از ترکیبات و گرایشاتی است که یگانه‌شان کرده است. ایشان مجموعه‌ای از همه‌چیز است و نشان‌دهنده دانش که شخصیتشان و نگاه اجتماعی‌شان ناشی شده است و نشان‌دهنده شعور، نگاه وسیع و شأن ایشان است که از سلول‌هایی است که دانه‌دانه در درونشان کنار هم چیده شده است. هرچه بگویم حرف اضافه است و فقط می‌توانم بگویم برای من، کار و نشانه‌های استاد شجریان در فرهنگ، مطلق است. مطلقی که خودشان هستند.

ستوده‌ترین هنرمند ایران



آیدین آغداشلو

برپایی جشن تولد امر رایجی است. همه تولدشان را جشن می‌گیرند. اما آدم‌هایی هستند که خودشان تولد خودشان را نمی‌گیرند؛ یک ملت تولدشان را جشن می‌گیرد؛ به این خاطر که آن ملت مباهات می‌کند سهم و دین و وظیفه خود را به درستی انجام داده و آدمی پرورده که نماینده روح آن ملت است. پس به نمایندگی آدمی که این روح را در خودش جمع کرده از خودش تشکر می‌کند. اعلام می‌کند که ما از او مراقبت کردیم و حضور داشتیم و نگذاشتیم خدشه‌ای به این وجود وارد شود. اگر به این سن رسیده حاصل سعی ما بوده. این ملت در حقیقت خودشان را جشن می‌گیرند و به خودش تبریک می‌گوید. من در اینجا به جز اینکه به شخص محمدرضا شجریان تبریک می‌گویم، به ملت فرهیخته و بزرگوار و والایی تبریک می‌گویم که مراقبت کردند تا این انسان یگانه تا این لحظه این نمایندگی را به دوش بکشد و ماندگار شود. من تحسین و ستایش می‌کنم استاد بزرگی را که همیشه در کارش این توازن را داشته است. تعهد اجتماعی خودش را داشته؛ به معنای اینکه در لحظه معینی باید موضوع معینی را بگیرد. برای اینکه می‌دانسته نه با خودستایی بلکه با وظیفه‌شناسی بار امانتی به او محول شده که باید به‌دوش بکشد. این بار امانت بار بزرگی است و همان‌گونه که گفتم تبدیل‌شدن هنرمند به روح فرهنگ و جامعه و مردمان خودش است. از سوی دیگر تعهد خودش را به هنرش در کمال رنج و مراقبت و کار خیلی زیاد انجام داده است. اگر موسیقی کهن ایرانی با اسم ایشان گره خورده باید در این بخش هم دقیقا گفته شود. چنین هنرمندی لیاقت و شایستگی دارد که نه‌تنها در این جمع که در جمع‌های بزرگ‌تر ستوده شود و همه از او سپاسگزاری کنند. او در لحظاتی با این تعادل و اعتدال فوق‌العاده توانسته سهم خودش را ادا کند. او دین خودش را نسبت به تعهد و کار خودش انجام داده و گمان می‌کنم مردمش هم به طور متقابل این دین را ادا کردند و تا حدی که امکان داشت او را ستایش کردند تا ستوده‌ترین هنرمند همه عرصه‌های هنری ایران باشد.

